

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

۲ فروری ۲۰۰۹

برگزیده هائی از رساله نفیس "صبح فردا"

اهدائی جناب مسعود حنیف "زراب"

بعد از آنکه خانم دیپلوم انجنیر نسرین معروفی بتاريخ ۲۰ دسمبر ۲۰۰۸ در کانفرانس هالنده، سخنرانی نموده و موقف صریح پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را در قبال اوضاع سیاسی موجود، محکوم ساختن تجاوز بر وطن و ایستادگی در برابر اداره مستعمراتی کابل، بیان نمود، جناب "زراب" از جا برخاسته و این رساله ارزنده خویش را به ایشان و از طریق ایشان به پورتال اهداء نمودند.

در هفته های گذشته چار پارچه را ازین مجموعه گزیده، برگزیده و تقدیم دوستداران ادب دری کردیم. و اینک :

پارچه پنجم

## بازار هنر

باری نشد تا بنگری سویم ز چشم دلبری  
از خامی خود سوختم در مجمر خلق تو من  
دیگر به بازار هنر بونی ز شعر تازه نیست  
از قیل و قال زندگی حاصل نگردهد پختگی  
چون زاده ام در این چمن، با هر گلش دارم سخن  
تا کی بهم جنگیم ما از بهر احراز مقام  
تا در وجود ملک ما دست عدالت زیر پاست

گر لحظه ای کردی نظر، بودت نگاه سرسری  
این شعله در دل جا گرفت، از آتش خوشباوری  
چون تا ابد مسدود شد، درب دکان عشق  
بخشد ترا مردانگی تعالیم و نظم عسکری  
فرقی ندارد هموطن، پشتو بگویم یا دری  
ای کاش دور از سر شود این گونه فکر سروری  
قانون کجا باشد "زراب" اندر نظام رهبری

چون زاده ام در این چمن، با هر گلش دارم سخن

فرقی ندارد هموطن، پشتو بگویم یا دری